

وسوسه چیزی است که همه ایمانداران با آن درگیر هستند. به طور مثال، ما زمانی که خشمگین هستیم، وسوسه می شویم تا انتقام بگیریم و یا در هنگام پرداخت مالیات وسوسه می شویم تا دروغ بگوییم. به گفته ای همه ما به گونه ای، از طرق مختلف در معرض وسوسه قرار می گیریم تا گناه ورزیم.

وقتی حوا از طریق ماری که در باغ عدن بود، وسوسه شد، اولین چیزی که به ذهنش رسید این بود که نتیجه گنااهش چه خواهد بود. در حقیقت او فکر کرد که در نتیجه خوردن آن میوه، حکمت خدا را به دست خواهد آورد و مانند خدا خواهد شد. این نقطه جذب حوا به وسوسه بود.

امروز انسان ها در حالیکه تسلیم وسوسه شده اند، بهانه های مختلفی می آورند تا اعمال اشتباه خود را توجیه کنند. بعضی می گویند ضعیف هستند و یا اینکه همه خطاکارند، پس تسلیم وسوسه شدن اشکالی ندارد. بعضی فکر می کنند چون خدا بخشنده است، پس آنها را در هر شرایطی خواهد بخشید. بعضی دیگر که اهل لذت هستند، فکر می کنند که خدا دوست دارد که آنها لذت داشته باشند. وقتی وسوسه می شویم، گناه در ما ریشه می افکند.

در اینجا می خواهیم بدانیم که وسوسه :

- 1- از کجا سر چشمه می گیرد.
- 2- چه زمانی وارد زندگی ما می شود.
- 3- چه کسانی را مورد حمله قرار می دهد.
- 4- از چه دریچه ای وارد می شود.
- 5- چگونه می توان با آن مقابله کرد.

1- وسوسه از کجا سر چشمه می گیرد:

پسری که اجازه نداشت قبل از اتمام تکالیفش، بازیهای تلویزیونی بازی کند، یک روز پدرش او را در حین بازی کردن دید و از او پرسید که چرا نا اطاعتی کرده است. پسر در جواب به پدرش گفت که نتوانست خود را کنترل کند. این مثال نشان می دهد که وسوسه چیزی نیست که از طرف خدا بیاید، بلکه از خود انسان سر چشمه می گیرد.

" لکن هر کس در تجربه می‌افتد وقتی که شهوت وی او را می‌کشد و فریفته می‌سازد. پس شهوت آبستن شده، گناه را می‌زاید و گناه به انجام رسیده، موت را تولید می‌کند."
یعقوب 1: 14 - 15

" هیچ تجربه جز آنکه مناسب بشر باشد، شما را فرو نگرفت. اما خدا امین است که نمی‌گذارد شما فوق طاقت خود آزموده شوید، بلکه با تجربه مفری نیز می‌سازد تا یارای تحمل آن را داشته باشید." اول قرن‌تینان 10: 13

انسان خود اولین عاملی است که تسلیم وسوسه‌ها و شهوات درونی خود می‌شود و شیطان نیز از این موقعیت استفاده کرده، با افزودن احساس شهوت در انسان، به او حمله می‌کند.

2- وسوسه چه زمانی وارد زندگی ما می‌شود:

وسوسه بیشتر اوقات پس از برکت و بیداری روحانی به سوی انسان می‌آید. همانطور وقتی عیسی بعد از تعمید آب خود به بیابان رفت، شیطان به صورت وسوسه به او ظاهر شد. همچنان گفته شده است که هیتلر در روزهای تعطیل، که دولت و تصمیم گیرندگان آمادگی نداشتند، به کشورهای دشمن حمله کرده و آنها را غارت می‌کرد. امروز دشمن زمانی که ما کمترین احتمال را می‌دهیم، به ما حمله می‌کند. گاهی ممکن است وقتی از نظر فیزیکی خسته هستیم وسوسه به سراغمان بیاید.

3- وسوسه چه کسانی را مورد حمله قرار می‌دهد:

احتمال وسوسه شدن برای هر شخصی وجود دارد، ولی شیطان بیشتر سعی می‌کند تا نوایمانان را، با به شک انداختن در مورد نجات مسیح، مورد وسوسه قرار دهد. مثل برزگر به خوبی در این مورد توضیح می‌دهد.

"... و اینانند به کناره راه، جایی که کلام کاشته می‌شود؛ و چون شنیدند فور شیطان آمده کلام کاشته شده در قلوب ایشان را می‌ریاید." مرقس 4: 15

به همین خاطر ما مسئول هستیم تا برای نوایمانان دعا کنیم زیرا شیطان بیشتر از هر کسی آنها را مورد حمله وسوسه‌ها قرار می‌دهد. امروز شیطان سعی دارد که ایمانداران را با چیزهای سمی ولی به ظاهر جذاب وسوسه کند. اگر حتی در ایمان قوی هستید، آماده باشید زیرا شیطان خواهد خواست شما را وسوسه کند.

4- وسوسه از چه درجه ای وارد می شود:

همانطور که در تجربه آدم و حوا دیده می شود، شیطان از طریق درجه فکر و ذهنمان می خواهد به ما حمله کند.

"لیکن می ترسم که چنانکه مار به مکر خود حوا را فریفت، همچنین خاطر شما هم از سادگی ای که در مسیح است، فاسد گردد." دوم قرن نهم: 11: 3

اما چرا دشمن فکر ما را مورد هدف قرار می دهد؟ زیرا فکر ما مانند اتاق فرمانی است که تمام تصمیم گیری ها را انجام می دهد و تجزیه و تحلیل مسائل، افکار رمانتیک و تخیلات در آنجا صورت می گیرد.

"زیرا اسلحه جنگ ما جسمانی نیست بلکه نزد خدا قادر است برای انهدام قلعه ها، که خیالات و هر بلندی را که خود را به خلاف معرفت خدا می افرازد، به زیر می افکنیم و هر فکری را به اطاعت مسیح اسیر می سازیم." دوم قرن نهم: 10: 4

هر گونه گناهی از ذهن سرچشمه می گیرد. برای مثال شخصی که در دنیای زنا به سر می برد و به همسر خود خیانت می کند، او یک روزه زناکار نشده است بلکه شاید در ابتدا از طریق یک عکس در اینترنت یا صحنه ای در تلویزیون، وسوسه ایجاد شده و کم کم جای خود را در افکار شخص باز کرده و در نهایت به زنا ختم شده است.

5- چگونه می توان در برابر وسوسه ها مقاومت کرد:

در دنیایی زندگی می کنیم که شاید ناراحت یا عصبانی شویم و عکس العمل نشان دهیم، ولی نباید اجازه دهیم که آن چیزها ما را به گناه بکشانند.

"لهذا دروغ را ترک کرده، هرکس با همسایه خود راست بگوید، زیرا که ما اعضای یکدیگریم." افسسیان 4: 25

بسیاری از ما هم چنان لذات گذشته قبل از ایمان را به یاد آورده و دائما با آنها زندگی می کنیم. در نتیجه، شیطان از این وضعیت سو استفاده می کند و با یادآوری لذت های زود گذر گذشته، می خواهد ما را وسوسه کند.

"عیسی وی را گفت: «کسی که دست را به شخم زدن دراز کرده از پشت سر نظر کند، شایسته ملکوت خدا نمی باشد.» " لوقا 9: 62

ما باید گذشته گناه آلود خود را فراموش کرده و دیگر به عقب نگاه نکنیم، زیرا کسی که به عقب نگاه کند، لیاقت آن را ندارد که برای پادشاهی خدا خدمت کند.

همیشه هوشیار و بیدار باشیم.

برای مثال، شخصی در اتوبان رانندگی می کرد، ناگهان ماشینی جلوی او پیچید. او عصبانی شده، به دنبالش رفت تا انتقام خود را بگیرد. وقتی به آن ماشین رسید، خواست که با راننده دعوا کند اما ناگهان به یاد آورد که به پشت ماشین خود بر چسبی چسبانیده بود که می گوید "خدا تو را دوست دارد." در آن لحظه شخص فهمید که او باید هوشیار باشد و بداند چگونه رفتار می کند.

باید بدون هیچ درنگ و با سرعت هر چه تمام از موقعیت های وسوسه انگیز فرار کنیم. در داستان یوسف، زن فوطیفار که بر یوسف چشم داشت، روزی از او خواست تا با او همبستر شود. آن لحظه یوسف فرصت دعا کردن و طلبیدن حکمت خدا نداشت پس زمان، زمان فرار بود. او از این موقعیت وسوسه انگیز فرار کرده و بر آن وسوسه غلبه کرد.

مهمترین چیزی را که باید در مورد وسوسه به یاد آوریم این است که ما در این مسیر تنها نیستیم، زیرا خدا با ماست. نباید از وسوسه ها ترسید بلکه باید هوشیار بود و دانست که خدا با ما است و حاضر است به ما کمک کند. همانطور که یک ورزشکار تمرین می کند تا برای روز مسابقه آماده باشد، ما نیز باید از کلام خداوند پر شویم، با خداوند رابطه ای نزدیک داشته باشیم و همواره آماده باشیم.

"خلاصه ای برادران من، در خداوند و در توانایی قوت او زور آور شوید. اسلحه تمام خدا را بپوشید تا بتوانید با مکرهای ابلیس مقاومت کنید."
افسیان 10: 6-11

خدا را شکر که او در وسوسه ها ما را تنها نمی گذارد بلکه به ما قوت می دهد تا با آنها مبارزه کنیم.